

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلَيْكَ الْحُجَّةُ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَقَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عِيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيْهَا طَوِيلاً

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاهْدِنَا لِمَا اخْتُلِفَ فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
خدای بزرگ را شاکریم که توفیق داد سال تحصیلی جدید را در خدمت مباحثی باشیم که خدمت به معارف اهل بیت علیهم السلام است.

مقدمه

کسانی که امسال به بحث ما ملحق شدند - چه در فضای حاضر و چه در فضای مجازی - به این نکته توجه کنند که در میانه بحث هستیم. خود بحث هم چندان بحث ساده‌ای نیست. بنابراین نیاز به دقت و مطالعه بیشتری دارد.

ما بر حسب تقسیم کفایه مقصد اول را شروع کرده‌ایم که به اوامر اختصاص دارد. طبیعتاً وقتی بحث از اوامر است، بحث حقیقت وجوب و واجب هم مطرح می‌شود. در همین بحث وجوب و واجب، بحث مقدمه واجب نیز مطرح شد.

سال گذشته این بحث مطرح شد. نظر برگزیده این کلاس چنین شد که مقدمه واجب اگرچه لازم الاتیان است، ولی وجوب شرعی ندارد. یعنی اعتبار زائدی بر وجوب ذی‌المقدمه ندارد. به طور مثال، ما در نماز یک ذی‌المقدمه داریم و صدها مقدمه. اینطور نیست که تک تک مقدمات وجوب شرعی داشته باشند.

به تبع بحث واجب، بحث تقسیمات واجب هم مطرح شد. وجه تقسیمات مختلف این است که هر تقسیمی از زاویه خاصی شکل گرفته است.

نسبت به مقسم این تقسیمات، نکته‌ای را سال گذشته گفتیم و مجدداً باید بیان شود. آیا این تقسیمات، تقسیمات وجوب است یا تقسیمات واجب؟ عرض شد که این تقسیمات ناظر به وجوب است.

مثال: وجوب یا مطلق است و یا مشروط. حج نسبت به استطاعت وجوب مشروط دارد. پس این است وجه آن که گفته می‌شود واجب مطلق و مشروط، به حسب وجوب است. لذا در برگه امروز کلاس تعبیر به «تقسیم وجوب به معلق و منجز» شده است.

فی تقسیم الوجوب الى المعلق و المنجز

بحث امروز به یکی از تقسیمات نسبتاً جدید وجوب اختصاص دارد. برخی از تقسیمات سابقه دیرینه دارد، اما این تقسیم احتمالاً از صاحب فصول شروع شده است.

(تلاش ما در این جلسات ارائه اصل بحث است. اگر نکته‌ای وجود داشته باشد آدرس داده می‌شود و انتظار می‌رود که حتماً مراجعه کنید. این باعث می‌شود که در بحث کمتر معطل شویم.)

منشا پیدایش تقسیم وجوب به منجز و معلق

این تفکر و تقسیم بر اساس یک شبهه پیدا شد. آن شبهه عبارت است از اینکه: اجماع تمام علما بر این است که وجوب مقدمه -

بر فرض پذیرش وجوب شرعی مقدمه - تابع وجوب ذی‌المقدمه است. لکن در شریعت مواردی مشاهده می‌شود که مقدمه پیش از ذی‌المقدمه وجوب یافته است.

مثال اول - غسل جنابت: کسی که در شب ماه رمضان جنب شده است، تا هنگام سحر وجوب روزه به عهده او نیامده است؛ اما واجب است که پیش از سحر غسل کند. اگر یک دقیقه بعد از سحر غسل کند روزه‌اش باطل می‌شود.

مثال دوم - حج: حج در ظهر روز نهم ذی‌الحجه واجب می‌شود؛ اما مقدمات متعددی دارد که بدون آن حج در زمان خودش قابل تحصیل نیست. نمی‌شود تا آن روز صبر کرد و هیچ حرکتی نکرد به این بهانه که هنوز حج واجب نشده است. اصطلاحاً به اینگونه مقدمات، مقدمات مفوّته گفته می‌شود. اگرچه همه مقدمات مفوّته‌اند و تا انجام نشوند، ذی‌المقدمه نمی‌آید، اما مراد از اصطلاح مفوّته، مقدماتی است که باید زودتر آماده شوند تا ذی‌المقدمه در ظرف خودش فوت نشود. مقدمات مفوّته شرعاً باید زودتر از موعد وجوب ذی‌المقدمه تحصیل شوند، و الا فوت ذی‌المقدمه لازم می‌آید. استمرار شبهه، حتی در فرض عدم قول به وجوب مقدمه

ممکن است گفته شود ما اصلاً قائل به وجوب مقدمه نیستیم. این کافی نیست، پاسخ این است که حتی در فرض عدم قول به وجوب مقدمه، باز قائل به لزوم اتیان خواهید بود. باز این شبهه تکرار می‌شود که چگونه تا ذی‌المقدمه واجب الاتیان نشده است، مقدمه‌اش واجب الاتیان شده است.

راه حل صاحب فصول: تفکیک زمان وجوب از زمان واجب

بر حسب نقل مشهور، اولین کسی که برای پاسخ به این شبهه ورود کرد، مرحوم صاحب فصول است.

مرحوم صاحب فصول - به طور خلاصه - گفته است: «در این موارد شرعی، ذی‌المقدمه واجب شده است، اما هنوز زمان انجامش نرسیده است». اگر دقت کنید، با همین نکته همه چیز حل می‌شود.

ایشان می‌گویند گاهی زمان وجوب با زمان واجب یکسان نیست.

مثال حج: در بحث حج به محض استطاعت، وجوب حج فعلی می‌شود؛ اما زمان اتیان آن بعد از دخول در وقت است. حج یک واجب مشروط است که از جمله شروط آن دخول وقت خاص است، اما نسبت به استطاعت مطلق است. مثال روزه: اگرچه زمان وجوب اتیان روزه سحر است «كُلُّوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ (البقره ۱۸۷)» لکن از زمان رؤیت هلال، وجوب روزه آمده است. در بحث نماز هم به همین صورت است.

تعریف واجب معلق و منجز: بنابراین از نظر صاحب فصول، گاهی زمان وجوب و زمان واجب یکی است و گاهی نه. هر جا زمان وجوب و زمان واجب متحد باشد، واجب منجز بوده و هر جا متعدد باشد، واجب معلق است.

یک بحثی در این میانه وجود دارد که آیا تقسیم صاحب فصول در همه واجب‌ها مطرح می‌شود یا به واجب مطلق اختصاص دارد. این از آن مباحثی است که بنا بر ورود به آن نداریم، زیرا ثمره فقهی ندارد. اشکالات وارده

تا اینجا پیشینه این بحث مطرح شد. اما از ابتدا که این بحث در اصول مطرح شد، اشکالات متعددی بر آن شده است. در برگه نیز تحت عنوان «ردود» به برخی از آنها اشاره شده است. افرادی همچون شیخ انصاری، آخوند خراسانی و کسانی دیگر. نکته روشی: برخی از این اشکالات خیلی سست جلوه می‌کند، خصوصاً اشکالاتی که از دیگران نقل می‌شود. به همین خاطر باید به اصل مطلب مراجعه کرد.

اشکال شیخ انصاری

اولین اشکالی که بحث می‌شود، اشکال شیخ انصاری است. شیخ انصاری می‌فرماید ما به این تقسیم نیازی نداریم.

استدلال شیخ انصاری: در اصول واجب مطلق و مشروط (و به تعبیر ما وجوب مطلق و مشروط) مطرح شده است. از نگاه ایشان، واجب مطلق واجبی است که وجوبش مشروط به شرطی نیست، بر خلاف واجب مشروط. در این تقسیم عنایتی به زمان اتیان عمل نیست.

تطبیق مثال نماز ظهر: "نماز ظهر هنگام زوال" واجب می‌شود؛ اما زمان زوال قید وجوب نیست، قید واجب است. یک بار

می‌گوییم «نماز، عند الزوال واجب است» پس وقت ظهر قید هیئت وجوب می‌شود. اما یک بار می‌گوییم «نماز بعد از اذان ظهر واجب است» در این صورت وقت ظهر قید ماده می‌شود.

شیخ انصاری می‌فرماید : نماز به این صورت جعل شده است. حج هم به همین صورت قابل تبیین است.

با این بیان می‌گوید نیازی به تقسیم صاحب فصول وجود ندارد. اما این اشکال را کسی نپذیرفته است. می‌بایست در این بحث حتماً به کفایه و حواشی آن مراجعه کنید. در برگه هم مطالبی ذکر شده است.

إن شاء الله بحث جلسه بعد با بررسی اشکال شیخ انصاری پیگیری خواهد شد.

والحمد لله رب العالمین